151

Su'ālāt-i-ʿasharah.

(Theology).

سوالات عشره

رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر

سوال اول انکه بر فرقه امامیه که فی زماننا مذهب ایشان مروج است

در اسلام وایمان اینها چه گفته اید وطریقه اسلام از ملاقات یکدیگر

با اینها کرده اید یا نه سوال ثانی انکه سنی اگر قذف عائشه و

وسب صحابه کبار نماید سنی او را بقتل رساند در قصاص ان

چه حکم است و علی هذا القیاس در خوارج و نواصب سوال ثالث

انکه در اجماع تفضیل شیخین که نزد اهل سنت متحقق است اما

تفضیل شان بر مرتضی علی رض من کل الوجوه ثابت یا من بعض الوجوه

سوال رابع انکه امامت تفضیلیه جایز است یا نه و در صلواة مقتدیان

او که اهل سنت باشند چه حکم است سوال خامس انکه در سیب

مروان

مروان و معاویه نزد اهل سنت چه تحقیق رفته **سوال سادس** اگه

اگر شخصی حنفی المذهب در بعض احکام بر مذهب شافعی چنانچه رفع یدین

و غیره عمل کند چه حکم است **سوال سابع** در تحصیل علوم منطق

اگر بری که تحصیل شخصی اشتغال بدان بر جواز و عدم آن چه حکم است

ایضاً در علم فارسی که سوای قرآن و حدیث باشد تصنیف

در فتاوی سراج المنیر من تصنیف تابع محمد مفتی در این باب لفظی

چند مشاهده کرده و کذا اسش از او واجب و نوشته **هکذا**

عبارته تعلیم العلم یکون فرض عین

وهو ما زاد علیه لنفع غیره و مندوب

وهو التبحر فی الفقه وحرام علم الفلسفه

والشعبده وعلم التنجیم والرمل وعلم الطبایعین

والسحر ودخل فی الفلسفه المنطق

انتهی **ثامن** و نیز در جواز نوکری کفار چه حکم است

از ... در استماع غنا نزد ابو حنیفه کوفی چه حکم رفته

از مذهب اهل سنت نیز از آن حکم کرده است بیان

در مقدمه خنثی مشکل که نکاح از کدام جایز نیست یا عدم آن چه حکم دارد

عاشر بر تقدیر ثبوت حدیث معروف که اکل

دخان حرام است و حرمت حقه حکم دارد و این حدیث

من اکل البنج لقمة فکانما زنی بامه

سبعین مرة ومن زنی بامه مرة فکانما

هدم الکعبة من اکل البنج ومات علی

هذه یحشره الله فی القیامة مکتوب

بین عینیه لیس من رحمة الله عز وجل

صحیح است یا نه چنانچه علاء الدین محمد بن ابراهیم تبریزی از اهل

امامیه در تنبیه الغافلین تحقیق نموده گفت که این قول رسول

صلعم است **جواب از مولانا شاه عبد العزیز جواب سوال او**

گفته شده است که فرقه امامیه منکر خلافت حضرت صدیق اند و در

فقه مسطور است که هر که انکار کند خلافت حضرت صدیق را بعد از

اجماع قطعی شد کافر گشت قال فی الفتاوی العالمگیری

اذا کان یسب الشیخین ویلعنهما العیاذ

بالله

بالله فهو كافر وان كان يفضل عليا
كرم الله تعالى وجهه على ابى بكر رضى
الله عنه لا يكون كافرا ولكنه مبتدع
ولو قذف عائشة رضى الله عنها با
الزنا كفر بالله **الثامنة** من انكر امامة
ابى بكر الصديق فهو كافر على قول البعض
وقال بعضهم فهو مبتدع ليس بكافر
والصحيح انه كافر وكذلك من انكر خلافة
عمر رضى الله عنه فى اصح الاقوال يجب
اكفار الروافض فى قولهم برجعة
الاموات الى الدنيا وتناسخ الارواح
الى ان قال وهؤلاء القوم خارجون
عن ملة الاسلام واحكامهم احكام
المرتدين انتهى زكاة بمو نعب وابات فقه كفر ايشا
ثابت شد پس در ملاقات ايشان نيز حكم ملاقات كفار

جاری نیست یعنی ابتدا بسلام نباید الا عند خوف
الضرر العظیم الاحق منه و در جواب نیز بقدر
ضرورت اکتفا باید نمود و از افعال معظمه و تکرار سلام باید خود
تعمل ارند در مقام مکافات بتقربه بتشبیه و بعمل باید آورد و همچنین
در عیادت و تعزیت و اجابت دعوت مکافات منظور
باید داشت چنانچه حکم کفار همین است و کذا حکم الخوارج والنواصب
جواب سوال ثانی قاذف عائشه رضی الله و ساب صحابه
کبار رضی الله عنهم بلا شبهه مرتد است او را پیش حاکم برده
بشهود اثبات قذف و سب بروی نموده بقتل باید رسانید
بحکم حدیث صحیح من بدل دینه فاقتلوه و این همه
برای نیست که قصاص از قاتل خود دفع شود و الا چون شخص
بکشد مکوس خود این کلام شنیع را بشنود متکلم را این کلام
عند الله ماخوذ نمیشود و عند الناس اگر بشهود معتبر ثابت دارد موجب
قصاص خواهد گشت و همین حکم خوارج و نواصب است
اگر قذف و سب نماید جواب سوال ثالث تفضیل شیخین

الحق

بر حضرت مرتضی علی رضی الله تعالی عنهم اجمعین من کل الوجوه نیست
بلکه علمای محقق نوشته اند که تفضیل احد الشیخین
علی الاخر من جمیع الوجوه محال چه تفضیل
مرتضی علی بر صدیق در جهاد بسیف و سنان و در فن قضایا و کثرت روایت
حدیث و مانند آن مسلمه است و حیث حضرت بتول بر حضرت
صدیق قطعی نیست بلکه مراد از تفضیل شیخین بر جناب مرتضی
رضی الله عنه نیست مگر تفضیل ایشان در نیابت نبی علیه السلام
من سیاسة الامة وحفظ الدین وسد باب
الفتنه وترویج الاحکام الشرعیه واشاعة
الاسلام في البلدان واقامة الحدود
والتعزیرات همین است مقاصد کبری ولهذا
التقدیم الشیخین در بنا بر مجمع علیه صحابه بود و لکه در
صواعق محرقه و دیگر کتب حدیث معتبره مذکور است که جناب
رسالت فرمود سألت الله ان یقدمک یا
علي ولا علي التقدیم الا بی بکر
جواب سوال رابع

ش

تفضیل دو قسم اند قسم اول کسانیکه حضرت مرتضی علی رضی الله
عنه را بر شیخین تفضیل میدهند لیکن در محبت شیخین و تعظیم
ایشان و بیان مناقب و مدایح ایشان و اتباع روش و طریقه
ایشان و تمسک باقوال و افعال ایشان سرگرم و راسخ قدم اند اهل
سنت با وجود تفضیل شیخین بر جناب مرتضی علی از وجهیکه مذکور شد
نسبت بجناب مرتضی علی کمال رسوخ در محبت و اتباع طریقه
و تمسک بقول و افعال آنجناب سرگرم اند و این قسم از تفضیلیان
داخل سنیان اند لیکن درین مسئله خطا کرده اند و خلاف ایشان
را با جمهور اهل سنت از قبیل خلاف اشعریه اشعریه یعنی متابعان
شیخ ابو الحسن اشعری با ماتریدیه یعنی تابعان شیخ ابو المنصور
ماتریدی با ماتریدیه باید فهمید اما مت این قسم جایز است و چند
از علمای اهل سنت و صوفیه ایشان برین روش بوده اند مثل
عبد الرزاق محدث و سلمان فارسی و خباب بن ثابت و بعض
صحابه دیگر قسم دوم از تفضیلیه کسانیکه باشند که گویند بار از محبت
مرتضی و اولاد او و اتباع طریقه ایشان و تمسک باقوال و افعال ایشان

کافت

از شنیدن و صحابه ذکر او نمیکویم لیکن با نهایت سرور کاری
نیست ترک اتباع و نه تمسک
باقوال و افعال است و نه در لعن ... این قسم شنیع اند در
حکم امامیه و حکم ... امامیه نیست و همچنین از
معتبران اهل سنت این قسم تعصبیه نبوده نیست شیعه
سوال خامس مروان علیه اللعنة را اهل لعن و بدل از و بیزار بودن
خصوصا سلوکیکه با حضرات حسنین رضی الله عنه و اهلبیت نموده
و عداوت مستتر در دل داشت از لوازم سنت و محبت اهل بیت
است که از جمله فرایض و واجبات است و اما معاویه بن ابی سفیان
پس صحابی است و در حق او بعضی احادیث نیز وارد شده
علمای اهل سنت در حق او مختلف اند علمای ماوراء النهر
و متقشفین فقهای این همه حرکات و جنگ و جدال او را که
با مرتضی رضی ... نموده محمول بر خطای اجتهادی دارند که
و محققین اهل حدیث بعد تتبع روایات صحیحه دریافته اند که
این حرکات خالی از شائبه نفسانیت نیست و حمیت و تعصب

امویت و قرابت که با جناب ذی النورین داشت نبوده است

پس نهایت کار این است که مرتکب کبیره یا باغی باشد

الفاسق لیس باهل اللعن اگر مراد از سب

همین قدر است یعنی این نقص ازو برآمد که قتل و بد داشتن

پیمبر بلا شبهه نزد محققین این معنی واقع است و اگر مراد از

سب دشنام است پس معاذ الله که کسی اهل سنت

پیرامون آن گردد چه نزد ایشان برای فاسق و مرتکب کبیره

استغفار مامور به است فیکون اللعن

حراما خاصة که آن مرد صحابی است شفاعت

رسول و عفو صاحب حق یعنی حضرت مرتضی در حق او

از زیاده بر فساق دیگر متوقع و مرجو است بالقطع معلوم است

که بعضی صحابه در زمان آنحضرت صلعم مثل ماعز

اسلمی که زنا کرده بود و مثل حسان بن ثابت که در قذف

عائشه رضی الله تعالی عنها منصوص التعزیر در قرآن شده بود

برخلاف این وقت که حالا قاذف عائشه بلاشبهه کافر است

لا لمسکا دنص القران **جواب سوال سادس**
اگر حنفی المذهب بر مذهب شافعی عمل نماید در بعضی احکام
یکی از سه وجه باید نسبت **اول آنکه** دلایل کتاب و سنت
در نظر او در آن مسئله مذهب شافعی را ترجیح دهند **دوم آنکه**
در مسئلهٔ در تکلیفی مبتلا شود که تدارک بدون اتباع مذهب
شافعی نیاید مثل احکام میاه یعنی دو قله که نجسش من نبت
الذباب را باید حکم طهارت دارد به مذهب شافعی درین چهار
احکام متفق‌اند **سوم آنکه** شخصی صاحب تقوی وا او را در عمل
باحتیاط نظر افتد و احتیاط در مذهب شافعی باید مثل دادن
صدقة الفطر زاید از قدر دو آثار یا گوشت طاوس نخوردن
و علی هذا القیاس لیکن درین هر سه وجه شرط دیگر هم است
و آن نیست که تلفیق واقع نشود یعنی بسبب ترکیب مذهب
حنفی متحقق نگردد که در هر دو مذهب روا نباشد مانند آنکه فصد
یا لمس زن وضو نشده اند باز همان وضو در نماز عقب امام بی قرائة
فاتحه کند او دکه در هیچ مذهب روا نباشد وضو در مذهب

باطل گشت و نماز بر مذهب شافعی اگر سوای ازین وجه نه که گر
اقتدای حنفی نموده اقتدای شافعی نماید یا بالعکس مکروه تحریمی
تحریم است زیرا که تعصب مذهب در دین **جواب سؤال سابع**
آنکه در تحصیل علم منطق هیچ باک نیست زیرا که علم منطق از
علوم مقصود بالذات نیست بلکه از علوم آلیه است مانند نحو
و صرف و الا هر چیز را در حل و حرمت حکم آخر است که ذی
الآله است مثل توپ و توپخانه و اسب و سلاح که آله حرب است
پس اگر حرب عبادت است مثل جهاد کفار و دفع سراق
و قطاع الطریق و استعمال آلات و اتخاذ ادوات آن حرب
نیز از قبیل عبادات خواهد شد و اگر حرب اسباب حرام است
آله نیز معصیت خواهد بود **و بعد ذا فی کل آلة**
آلة مع ذی الآله نهایت کار آنکه اگر کسی علم منطق
تحصیل کرده در تایید مذاهب باطل و تشکیک عقاید حقه
استعمال کند البته درین کار مجرم و گنهکار باشد نه در
تحصیلش تحصیل علم منطق آمدیم بر آنکه در کلام قدما هم بحث این

علم

علم و منع از اشتغال بان بکثرت وارد شده ان نیز چه بهر حمل
باید کرد چه بسا انکه هم منع از تحصیل این علم محمول از کسی
بر دو چیز است یا انکه مراد ایشان منع از انهماک در اشتغال
باین علم است بنحوی که مقصود بالذات گردد و از حد و وسایل
خارج شود و تمام عمر صرف ان مصروف گردد و از تحصیل مقصود
بالذات باز دارد در اشتغال بجمیع علوم عقلیه مثل نحو و صرف
و معانی و بیان باین وجه ممنوع و حرام است یا انکه در ان
زمان بیشتر استعمال این علم در تاییدات مذهب اعتزال
و فلسفه رایج بود و در امثال حدود و رسوم و قضایای حیوانیه
و اشکال مسایل قدم عالم و اثبات هیولا و صورة و افعال
و ذلک استعمال میشد و هر که باین علم مشتغل میگشت ذهن
او باین مزخرفات مملو و مشحون میگردید و رفته رفته رسوخ
در ذهن او پیدا مینمود باین جهت حرام و معصیت گردیده و
حال انکه این امور از منطق بالکلیه بر طرف شده و از ازل
حق چیزی از اجزای علم کلام که رئیس علوم دینیه است

گفته اند حرمت و معصیت بود نشستن بر طرف بشد

اذا الحكم يرتفع بارتفاع الفلسفة

لعلة و آنچه در فتاوی سراج الدین مرقوم است و دخل

فی الفلسفة المنطق از آن رو است که جزو فلسفه منطق

بود و امثله از مسایل فلسفه مستخرج شده بود نه این منطق مجرد

که جزو علم کلام است و این علم را اصحاب و تعلم اگر بر نیت

یعنی آئین خط و کتابت و لغت و اصطلاحات اینها را اما

باکی ندارد و اگر به نیت مباح باشد زیرا که زید بن ثابت

بحکم صلعم روش خط و کتابت و لغت جهود و اینها را

آموخته بود برای این غرض که اگر برای اجناب خطی بآن

لغت و بآن رسم رسد جواب آن تواند نوشت و اگر

مجرد خوش آمد اینها و اختلاط با اینها تعلم این مینماید و بآن وسیله

پیش اینها تقرب میجوید پس البته حرمت و کراهت دارد

نوکری نصاری بلکه جمیع کفره چند قسم است

بعضی مباح و بعضی مستحب و بعضی حرام و بعضی کبیره

بسر حد کفر تفصیلش انکه اگر این کس را برای اقامت رسوم صالحه
و سر انجام امر مهم و مثل دفع دزدان و قطاع الطریق و اقتدار
موافق شرع و بنا و قیام اطریق و ترمیم عمارات نافعه مثل مهمانسرایی
و غیر و کاروانسرا استیجار کنند بلا شبهه جایز بلکه مستحب است بدلیل قصه
یوسف علی نبینا و علیه الصلوة و السلام که از پادشاه مصر که در انوقت
کافر بود در او علی خزاین خود خواستند تا اقامت عدل باین قسم
نمایند و بدلیل قصه والده حضرت موسی علی نبینا و علیه الصلوة و السلام
که نوکری فرعون را برای شیر دادن حضرت موسی قبول کرده
بودند اگر برای امور دیگر نوکر شود و اختلاط با کفره در ان کار
لازم اید و مشاهده رسوم و اوضاع منکره انها در خدمت اتفاق
افتد یا اعانت بر ظلم متحقق شود مثل منشی گری و صد منکاری و سپاهیگری
یا تعظیم مضطر برای انها و تذلیل خود داشتن و ایستادن ضرور افتد
حرام میکرد اما صغیره است و اگر برای قتل مسلمانی و برهم
کردن ریاست او و ترویج کفر خود و تخسیس مطاعن دین و
سجود انکه نوکر شود بر ان نوکری کبیره عظمی است

سوال: در استماع غنا مجرد از مزامیر و ملاهی در مذهب
حنفی روایات مختلف است اصح آنست که جایز است و دف
هم جایز است و احادیث کثیره موید این روایات است قال
الشیخ الامام ابن الهمام قید حرمة
التغنی بما اذا کان فی اللفظ ما لا
یحل کصفه المذکر والمراة المعینه الحیه
و وصف الخمر المهیج الیها والدیر نبات
والحانات وهجاء مسلم او ذمی لا اذا
اراد انشاد الشعر للاستشهاد او لیعلم فصاحته
وبلاغته نعم اذا قیل ذلک علی الملاهی منع
وان کان مواعظ وحکایات الاتقیاء
لا باس بذلک التغنی انتهی قال فی الزیلعی
واختلفوا فی التغنی المجرد قال بعضهم انه
حرام مطلقا ومنهم من قال لا باس
بان یتغنی لیستفید نظم القوافی

الفصاحة ١٦

والفصاحة وسمم من قال يجوز التغني
لدفع الوحشة إذا كان وحده
ولا يكون على سبيل اللهو وقال
السرخسي رحمه الله وفي البدايع وهيجانه
يباح ان كان ذلك السرور مباحا
كالغناء في ايام العيد وفي العرس وفي
وقت قدوم الغايب ووقت الوليمة
والعقيقة وعند ولادة الولد وعند
ختانه جواب سوال تاسع اگر خنثى مشكل را هر دو شهوه
در یک مرتبه نباشد بلکه غالب مغلوب باشد اگر شهوت
فرج غالب باشد نکاح او با مرد باید کرد و اگر شهوت ذکر غالب است
نکاح او با زن باید کرد و در اجرای شهوه دیگر او را صبر لازم است
جواب سوال عاشر گل و خاک خوردن حرام حدیث صحیح نیست
و در حلت و حرمت جهه اختلاف است اصح نیست که مکروه
تحریمی است از جهت بوی بد که در دهان حقه کس میماند شل

بیار و بسیار خام و هم از جهت تشبه باهل هند که … در روبه
ایشان خواهد برامد ومن اکل البنج
لقمة فكانما زنى بامه الخ وهمچنین من
اکل البنج وبنات على هذا ۷ اصلا و کتب
حدیث نیست بلکه از الفاظ رکیکه این برد و کلام صریح معلوم مسود
که مجهول و موضوع است و نوشتن علاء الدین تبریزی در این
باب اعتبار ندارد که درین باب اعتبار بر قول محدثین باید کرد
و وعاظ احادیث غیر معتبره را برای تخویف و ترهیب ذکر میکنند
و از حال الحدیث مطلع نمی باشند تفصیل مسئله حقه انست
که در خشیشه تنباکو اصلا وجه حرمت نیست زیرا که علت
حرمت در نباتات منحصر در دو چیز است سمیت و یا سکر
و این خشیشه خالی از هر دو چیز است مباح باشد لیکن در
استعمال ان باین کیفیت که دخان او را کشند … دو
از کراهت بهم میرسد یکی بوی بد که در دهان حقه کش
میماند دوم تشبه باهل هنود این قسم کراهت با انچه در

متحقق

فقط

تحصر یعنی دست بر تهیگاه نهاده ایستادن و در تختم

تجدید در شرع وارد شده و استعمال این وضع مسلم

که ملابس نار کرده اند و ملابسه نار بار بگروه است بلا

ضرورت لا عذاب الله و هذا اذا [illegible] یعنی وارد نهادن

نهی کراهت آمده و هر چند هر یک ازین وجوه ثلاثه مستلزم

نهی است اما کسب اجتماع متحیر کراهت تحریمی شده بعضی

از اهل معقول گفته که کل دخان حرام

هر چند حدیث بنا شد اما کلام در صحت است زیرا که دخان

نزد اهل عقل مرکب از دو چیز است ارضیت و ناریت

بعلت سمیت است و چون علت مرتفع شود حلال گردد

مثل استعمال این دخان بطریق اصلاح بدن باشد مثل

تحلیل ریاح و رفع قبض علت حرمت نخواهد داشت

و در بعضی کتب بر حرمت ان از آیت یوم

تاتی السماء بدخان مبین یغشی الناس

هذا عذاب الیم استدلال کرده اند و الله

عذاب از این نسبت معلوم شد که دخان الذ[illegible]
و العذاب را استعمال درست نیست و بجواب این
شبهه آنست که صغری و کبری هر [illegible] نوع است زیرا که
دخان چنانچه العذاب بهشت تنعم نیم تابد بسبب [illegible]
عود در حدیث صحیح وارد است که مجامر [illegible]
الالوه یعنی عود یعنی رطب برای بهشتیان و بهشت
در مجامر خوانند آورد و نیز استعمال الذ عذاب مطلقا ممنوع [illegible]
زیرا که عذاب قوم نوح در طوفان سوال
ماهی را که صیاد
کافر صید کرده باشد در اکل آن چه حکم است ج
حلال است در کتب فقه مسطور است لا بأس
باكل السمك الذي يصيده المجوسي
و حاصل آنکه گرفتن ماهی [illegible] جمیع احکام حکم ذبح ندارد
الا از نتیجه کافر گمان کرده شود [illegible] وضو نکرده برای جنازه
کرده باشد [illegible] ان وضو کردن روا است

۱۱

باینه جواب روا است زیرا که در وضو نیت شرط نیست بهر نیت که کند گذاردن نماز بآن جایز است در تیمم که نیت شرط است نیز روا است فی العالمگیریه لو تیمم لصلواة الجنازة و لسجدة التلاوة اجزاه ان اصلی به المکتوبة بلا خلاف کذا فی المحیط سوال نماز گذاردن بر فرش کلیم و بعد سجده تلاوت کردن روا است یا نه جواب روا است بشرط که پای و پیشانی بران قرار گیرد سوال زید بمرض تحلیل چنان گرفتار است که یک رکعت هم بضبط ریح ادا نتواند نمود پس بنا بر هر نماز وضو تازه کند و بعد ادای نماز آنچه معمول او باشد از قبیل کلام الله و تلاوت حدیث شریف و صلوة طیبات بدان وضو بخواند یا به تجدید وضو بخواند و بعد ادای نوافل مثل تهجد و چاشت و اشراق و غیرهم نیز برای ادای معموله وضوی تازه نماید جواب حاجت تجدید تجدید وضو نیست اگر ناقضی دیگر ... نشده باشد همان ...

ریح

کفایت میکند در فواید محیط آورده است که شخصی یا

بجناب رسالت پناه عرض نمود که پدر[م] در سفر است و گور مادر

او در وطن بمسافت بعیده و یا در موضع غیر معلوم است

و او زیارت را مشتاق است چه کند آنسرور عالم صلعم فرمودند

که خطی بکشند و خیال گور مادر و پدر زیارت آن خط کند پس

در این صورت ساختن تابوت و تعزیه تمسک باین روایت است

اغلب که حکم جواز دارد   این روایت [illegible]

چندان معتبر نیست سند او در آن روایت ذکر سفر پدر و بعد

مسافت نیست فقط صورت مجهول بودن موضع گور پدر

و مادر بلکه گور است معلوم را بر مجهول قیاس نتوان زیرا که

اگر قبله مجهول باشد تحری جایز است چون موضع قبر [illegible]

حضرت ائمین معلوم است زیارت تابوت مصنوع بر

سازند و الا زیارت قبر مصنوعی پیغمبر صلعم و رخ گذاردن برای

[illegible] مصنوعه جایز نباشد [illegible] زیارت تابوت و تعزیه

و فاتحه خواندن برائی [illegible] بگفتن و خواندن و شنیدن فریاد

در کفایه

نوحه کردن وسینه کوبی نمودن وجرح خوردن ماتم حضرت
امام حسین رضی الله عنه چه حکم دارد جواب این جمله همه
روایت در کتاب المشرح بروایت خطیب آورده
لعن الله من زار وبلا مزار ولعن
الله من زار شبوحا بلا روح ومرثیه
گفتن وخواندن وشنیدن آن بشرطیکه متضمن محقر واهانت
اهل بیت باشد بنسبت ظلم وستم بجناب الهی نباشد بجاه خود
باکی ندارد وفاتحه درود وصدقات نیز بجاه خود مستحسن است
دو باید ونوحه کردن وسینه کوبی نمودن وجرح خوردن همه
حرام است درحدیث است لیس منا من حلق
وسلق وحرق ترجمه یعنی نیست ازما شخصی که جرح
خورد وگریست باواز ونوحه کرد وگریبان درید ونیز در
حدیث است لیس منا من ضرب الخدود
وشق الجیوب ودعوی بدعوی
الجاهلیه این هر دو حدیث مشکوة المصابیح است

تمام شد صحیفهٔ مجموعه مسمی بسوالات عشره که جواب است از مولانا
شاه عبد العزیز سمت ترقیم یافت بتاریخ سیزدهم شهر صفر
روز پنجشنبه سنه هجری در دار السلطنت لکهنو صورت انجام

بدر رقم